

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان و ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

**تحلیل صور خیال در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر عناصر زنانه**

استاد راهنما:

دکتر مریم عاملی رضایی

استاد مشاور:

دکتر زهرا پارساپور

پژوهشگر:

الهه صابر

آذرماه ۱۴۰۰

## برگه ارزیابی پایان نامه

## سپاسگزاری

نخستین سپاس و ستایش از آن خداوندی است که بنده کوچکش را در دریای بیکران اندیشه، قطره ای ساخت تا وسعت آن را از دریچه اندیشه های ناب آموزگارانی بزرگ به تماشا نشیند. لذا اکنون که پایان نامه حاضر نگارش یافته است، بر خود لازم می دانم تا مراتب سپاس را از بزرگواری به جا آورم که اگر دست یاریگرشان نبود، هرگز این پایان نامه به انجام نمی رسید.

نخست از استاد راهنمای گرانقدرم سرکار خانم **دکتر مریم عاملی رضایی** که زحمت راهنمایی این پایان نامه را عهده دار گردیدند و در تمامی مراحل انجام رساله از راهنمایی های مدبرانه ایشان استفاده نمودم، کمال تشکر و قدردانی را داشته و توفیقات روز افزون ایشان را توأم با صحت و سعادت خواستارم.

از سرکار خانم **دکتر زهرا پارساپور** در امر مشاوره این رساله مساعدت نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم و برای ایشان از خداوند سلامت و سعادت ابدی را خواهانم.

باتشکر

الهه صابر

تقدیم به

مقدس‌ترین واژه‌ها در لغت نامه دلم، پدرم که همواره در سایه سار حمایتش، جرئت چشم دوختن به افق‌های دور را یافته‌ام؛

و مادر مهربانم

که زندگیم را مدیون مهر و عطوفت وی می‌دانم.

## چکیده :

زبان در ذات خود حامل تمایز یا تبعیض جنسیتی نیست اما در سبک نوشتار زنانه، ادبیات بر اساس تجربه و نگاه زنانه، جنسیتی می‌شود؛ به نحوی که کاربرد زبان در متون ادبی زنانه، آن را از سبک نگارش مردانه متمایز می‌کند و به این شیوه اصطلاحاً «زنانه‌نویسی» می‌گویند. «زنانه‌نویسی» با تحلیل عناصر زنانه، هویت زن را در آثار زنان جست‌وجو می‌کند. در فرهنگ گذشته، مرد همواره مظهر کنش‌گری، شجاعت، تدبیر و روشنگری است و در مقابل آن، زن مظهر کنش‌پذیری، غلبه احساسات، سکوت و وابستگی است. این باور کهن در سبک زنانه به این صورت نمود می‌یابد که زنان معمولاً از مستقیم‌گویی اجتناب می‌کنند و بیشتر سعی دارند با رعایت آداب سخن، به صورت غیرمستقیم و با اشاره به معانی ضمنی منظور خود را بیان کنند، به همین دلیل در یک اثر ادبی مانند یک قطعه شعر، سخن زنانه بیشتر به صورت دوپهلوی بیان می‌شود و کنایه‌تر از سخن مردانه است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر تعاریفی که درباره سبک زنانه مطرح است، بازتاب عناصر زنانه در تصاویر شعری سیمین بهبهانی اعم از مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه بررسی و مشخص گردید سیر تحول آن در دفترهای شعری وی در گذر زمان چگونه بوده است. در تشبیهات تصاویری به کار رفته است که مسئله آسیب‌پذیری و محدودیت زن را نشان می‌دهد. در استعاره یا مجاز با علاقه مشابهت، اغلب روابط عاشقانه و همچنین موضوع محرومیت‌ها و تبعیض به شکل برجسته‌ای مطرح شده است. احساسات مادرانه و مسئله وابستگی و حمایت طلبی زنان به صورت تشخیص به تصویر کشیده شده و سرکشی و اعتراض به نابرابری‌ها به شکل کنایه، نمود برجسته‌ای دارد. بیان موضوعات زنانه در شعر سیمین ابتدا صریح و مستقیم است اما به مرور بیان شاعر غیرمستقیم و شاعرانه‌تر می‌شود. در اشعاری که بیان شاعر صریح است، زن نقش منفعل دارد و پذیرای سرنوشت محتوم خود است اما در بیان غیرمستقیم، زن کم‌کم به هویت زنانه‌اش نزدیک‌تر می‌شود و پویایی و تحرک می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** سیمین بهبهانی، صور خیال، هویت زنانه، نقد زن-محور

## فهرست مطالب

### فصل اول : مقدمه و پیشینه پژوهش

۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- بیان مسئله.....	۳
۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش.....	۵
۴-۱- اهداف پژوهش.....	۶
۵-۱- قلمرو پژوهش.....	۶
۶-۱- نوع پژوهش.....	۶
۷-۱- سؤال‌های پژوهش.....	۶
۸-۱- فرضیه‌های پژوهش.....	۶
۹-۱- پیشینه پژوهش.....	۷
۱۰-۱- جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۸
۱۱-۱- روش جمع آوری اطلاعات و انجام پژوهش.....	۸

### فصل دوم : تعاریف و کلیات

۱-۲- صور خیال و ارتباط آن با عواطف و تجربیات شاعر.....	۱۰
۱-۱-۲- اهمیت خیال در شعر.....	۱۰
۲-۱-۲- نقش و اهمیت عواطف و تجربه‌های فردی در استفاده از صور خیال.....	۱۱
۳-۱-۲- علم بلاغت.....	۱۳
۴-۱-۲- علم بیان.....	۱۳
۵-۱-۲- تشبیه.....	۱۴
۶-۱-۲- وجه شبه و ادات تشبیه.....	۱۵
۷-۱-۲- استعاره.....	۱۶
۱-۷-۱-۲- استعاره مصرحه.....	۱۷
۲-۷-۱-۲- استعاره مکنیه.....	۱۸
۸-۱-۲- مجاز.....	۱۸

۱۹	۹-۱-۲-تشخیص
۱۹	۱۰-۱-۲-کنایه
۲۱	۱۱-۱-۲-اغراق و مبالغه
۲۱	۲-۲-فمینیسم و نقد فمینیستی
۲۱	۱-۲-۲-پیدایش مکتب فمینیسم
۲۱	۲-۲-۲-ادوار سه‌گانه جنبش فمینیسم
۲۳	۳-۲-۲-نقد فمینیستی

### فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۴	۴-۲-۲-مؤلفه‌های سبک زنانه
۲۴	۳-۲-۳-بحثی درباره شعر زنان در ایران و مؤلفه‌های آن
۲۸	۱-۳-۲-رابعه، نخستین زن پارسی‌گوی
۲۸	۲-۳-۲-هستی، دبیر دربار سلجوقیان
۲۹	۳-۳-۲-پادشاه خاتون، زنی با اقتدار و سیاستمدار
۳۰	۴-۳-۲-زنان و ادبیات عامیانه و شفاهی
۳۰	۵-۳-۲-شعر زنان در دوره بازگشت و عهد قاجاریه
۳۱	۶-۳-۲-شعر زنان در دوران مشروطه و پهلوی (رابعه، پادشاه خاتون + شعر قاجار)
۳۲	۷-۳-۲-ژاله قائم‌مقامی، شاعری درونگرا
۳۳	۸-۳-۲-پروین اعتصامی، شاعری برونگرا و اجتماعی
۳۴	۹-۳-۲-آغاز شعر زنانه با فروغ فرخزاد
۳۵	۱۰-۳-۲-از آرمانگرایی تا درونگرایی
۳۵	۱۱-۳-۲-درباره سیمین بهبهانی و جایگاه ادبی او

### فصل سوم: عناصر زنانه در تصویرهای شعری سیمین

۴۲	۱-۳-عناصر زنانه در دو طرف تشبیه
۴۷	۱-۱-۳-چند نکته درباره ساختار تشبیهات
۴۸	۲-۱-۳-تشبیه از نظر محسوس و معقول بودن طرفین آن
۵۱	۳-۱-۳-انواع امور و عناصری که یک طرف تشبیه را تشکیل می‌دهند
۵۳	۴-۱-۳-امور و عناصر زنانه‌ای که بیشتر در تشبیهات بیان شده‌است
۹۹	۲-۳-عناصر زنانه در رمز و استعاره‌ها
۱۲۱	۳-۳-عناصر زنانه در تشخیص
۱۳۷	۴-۳-عناصر زنانه در کنایات

### فصل چهارم: جمع بندی نتیجه گیری

۱۵۰	۱-۴-عناصر زنانه در صور خیال
۱۵۰	۱-۱-۴-نتایج به دست آمده از نقش عناصر زنانه در تشبیهات



- ۱۵۲.....۴-۱-۲- نتایج به دست آمده از نقش عناصر زنانه در رمز و استعاره.....
- ۱۵۴.....۴-۱-۳- نتایج به دست آمده از نقش عناصر زنانه در تشخیص.....
- ۱۵۵.....۴-۱-۴- نتایج به دست آمده از نقش عناصر زنانه در کنایه.....
- ۱۵۶.....۴-۲- مقایسه بسامدی موضوعات زنانه در انواع صور خیال.....
- ۱۶۲.....۴-۳- سیر تحول عناصر زنانه و جمع‌بندی.....

### فهرست مطالب

صفحه	عنوان منابع و مأخذ
۱۶۶.....	منابع فارسی.....
۱۶۸.....	منابع انگلیسی.....
۱۶۹.....	چکیده انگلیسی.....

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۵۸.....	نمودار (۴-۱) مقایسه بسامد انواع صورخیال در بیان عناصر زنانه.....
۱۵۹.....	نمودار (۴-۲) نمودارهای موضوعات زنانه در تشبیهات.....
۱۵۹.....	نمودار (۴-۳) نمودارهای موضوعات زنانه در استعاره و رمز.....
۱۶۰.....	نمودار (۴-۴) نمودارهای موضوعات زنانه در تشخیص.....
۱۶۰.....	نمودار (۴-۵) نمودارهای موضوعات زنانه در کنایات.....
۱۶۰.....	نمودار (۴-۶) گستره تشبیهات برای بیان عناصر زنانه در دفترهای سیمین بهبهانی.....
۱۶۱.....	نمودار (۴-۷) گستره استعاره و رمز برای بیان عناصر زنانه در دفترهای سیمین بهبهانی.....
۱۶۱.....	نمودار (۴-۸) گستره تشخیص برای بیان عناصر زنانه در دفترهای سیمین بهبهانی.....
۱۶۲.....	نمودار (۴-۹) گستره کنایه برای بیان عناصر زنانه در دفترهای سیمین بهبهانی.....
۱۶۲.....	نمودار (۴-۱۰) مقایسه گستره تصاویر تکرارشونده در انواع صور خیال (تصاویر مربوط به گل و گیاه و رویدنی‌ها).....
۱۶۲.....	نمودار (۴-۱۱) مقایسه گستره تصاویر تکرارشونده در انواع صور خیال (تصاویر مربوط به نور و تاریکی).....
۱۶۳.....	تاریکی.....

# فصل اول

## مقدمه و پیشینه پژوهش

## ۱-۱- مقدمه

تحقیق و پژوهش در مورد ادبیات زنان و سبک‌شناسی آثار آنان برای دستیابی به دنیای درونی آنان و درک و فهم مشکلات و دردهایشان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بخش اعظمی از ادبیات زنان به لحاظ ویژگی‌های زبانی، سبک بیان و نگارش، شیوه‌های پیوند میان عناصر کلامی و چگونگی بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی، مثل استعاره، تشبیه و صورخیال با ادبیات مردان متفاوت است (آبرامز، ۱۹۹۹: ۳۲۶). زنان در ادبیات، در بروز اندیشه‌ها و نمایش حوزه‌های تفکر، احساسات، نگرش‌ها و باورها ویژگی‌های خاص خود را دارند و کار سبک‌شناسی زنانه عبارت است از بررسی سبک از چشم‌انداز باورها و عقاید مربوط به موقعیت اجتماعی و حقوق زن (رک فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۵).

شناسه‌ها و مؤلفه‌های شعر زنان و خصوصیات و ویژگی‌هایی که راوی ادبیات زنانه از خود در متن اثر به جا می‌گذارد، خواسته یا ناخواسته جنسیت او را نشان می‌دهد و متن را به سمت و سوی نوشتار زنانه سوق می‌دهد. چگونگی کاربرد تشبیه و استعاره نیز از مقوله‌هایی است که شاعر از طریق آن هویت جنسی خود را آشکار می‌سازد. در واقع «شاعر از طریق تصویرسازی و به کارگیری تشبیه و استعاره سعی دارد اندیشه‌ها و عواطفش را با تمام ویژگی‌های فردی و شخصی‌اش به خواننده منتقل کند و چون عواطف و اندیشه‌های زنان و مردان با هم تفاوت دارد به گونه‌ای متمایز بر تصویرسازی آنان تأثیر می‌گذارد» (روحانی و ملک، ۱۳۹۲: ۱۲).

نحوه تأثیرگذاری جنسیت بر تصاویر شعری شاعران زن، از موضوعاتی است که تحلیل و بررسی آن موجب شناخت بهتر سبک نوشتار زنانه می‌شود و به شاعران زن نیز این امکان را می‌دهد که ضمن آگاهی از تفاوت‌های نوشتار زنانه و مردانه، ویژگی‌های مخصوص نوشتار خود را بهتر بشناسند و احساسات، اندیشه‌ها، باورها و تجربیات خود بدون تأثیر از ادبیات مردانه، واضح‌تر و خلاقانه‌تر بیان کنند. هرچه تألیف و پژوهش در این زمینه بیشتر صورت بگیرد، سبک نوشتار زنانه نیز جایگاه مستحکم‌تری خواهد یافت. در میان شاعران زن معاصر، سیمین بهبهانی از جمله کسانی است که هویت زنانه‌اش را در شعر خود بروز داده است و با نگرش خاصی موضوعات زنانه را مطرح می‌کند که می‌تواند نحوه نمود مؤلفه‌های زنانه را بهتر به ما بشناسد. با وجود تأثیرپذیری شاعر از شعر سنتی، هویت زنانه بر تصاویر شعر سیمین تأثیرگذار بوده است و شاعر برای بیان آسیب‌پذیری زنان، محدودیت‌ها و محرومیت‌های زن، بی‌پروایی‌های زنانه و سایر مواردی که در سبک نوشتار زنانه به

عنوان مؤلفه‌های زنانه مطرح می‌شود، سیمای مشخصی از زن را در صور خیال شعر خود به ما نشان داده‌است.

## ۱-۲- بیان مسئله

زبان در ذات خود حامل تمایز یا تبعیض جنسیتی نیست و نمی‌توانیم آن‌طور که میان زن و مرد از نظر جنسیتی تفاوت می‌گذاریم، برای ماهیت زبان هم جنسیت لحاظ کنیم. البته در برخی زبان‌ها مثل زبان عربی و انگلیسی نشانه‌های مؤنثی که برای کلمات وجود دارد، ساختار آن را از نوع مذکر کلمات جدا می‌کند و این شیوه‌ای است برای دسته‌بندی کردن قواعد کلی زبان و در اصل ذات زبان جنسیتی نیست. اساساً تفاوت قائل شدن برای زبانی که مورد استفاده‌ی گروه‌ها و اقشار گوناگون قرار دارد، به نوع انتخاب آن‌ها از کلمات و ساخت‌های ترکیبی برمی‌گردد. انسان‌ها، بسته به فرهنگ محیطی که در آن قرار دارند از نوع خاصی از کلمات استفاده می‌کنند و تجربه‌ها و دریافت‌های خود را در قالب زبانی که تداعی‌کننده موقعیت اجتماعی آنان باشد، بیان می‌دارند. بنابراین تفاوت‌های جنسیتی در زبان نه از ذات زبان، بلکه از فرهنگ جوامع نشأت می‌گیرد؛ به این مفهوم که گروه‌ها و اقشار گوناگون با توجه به جایگاه اجتماعی خود، از نوع خاصی از کلمات و افعال با ویژگی‌های زبانی مشخصی استفاده می‌کنند و در کنار آن، عناصر بیانی کلام آنان نیز ویژگی‌های مشخصی پیدا می‌کند؛ چنانچه گفته می‌شود گروه‌ها و اقشار گوناگون ادبیات مخصوص به خود را دارند و لحن و سبک و بیان آنان با گروه‌های دیگر متفاوت است.

در جایی که فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ مردسالارانه باشد، زبان و ادبیاتی که بیشتر مورد استفاده مردان است و دیدگاه‌ها و تجربیات خاص آنان را تداعی می‌کند، قدرت می‌گیرد و بر کلامی که باید بتواند تداعی‌کننده دیدگاه‌ها و تجربیات خاص زنان باشد سیطره می‌یابد. تا پیش از قرن هجده میلادی و گسترش مکتب فمینیسم در جهان، سیطره نوشتار مردانه بر نوشتار زنانه به گونه‌ای بود که اگر نام زنان را از شعرشان حذف می‌کردیم، غالباً نمی‌توانستیم تشخیص بدهیم که این شعر را یک زن سروده‌است در حالیکه شعر، حاصل تخیل شاعرانه است و از تجربیات شاعر نشأت می‌گیرد و از آن جایی که میان تجربیات زنان و مردان تفاوت‌های برجسته‌ای وجود دارد بنابراین در آثار ادبی که زنان خلق می‌کنند باید تفاوت‌هایی وجود داشته‌باشد که آن را از آثار مردان متمایز کند.

بر این اساس «منتقدان فمینیست همواره کوشیده‌اند با برجسته ساختن ویژگی‌های خاص نوشتار زنان، آن را از نوشتار مردان متمایز کنند» (گرین و لبیهان، ۱۳۸۳ : ۳۳۲). ویژگی‌های خاص نوشتار زنان در بیان نوع تجربیات، لحن و عناصر درون‌مایه‌ای اثر ادبی، نمود پیدا می‌کند و سبک خاصی را پدید می‌آورد که موسوم به سبک نوشتار زنانه است. در سبک نوشتار زنانه، ادبیات بر اساس تجربه و نگاه زنانه، جنسیتی می‌شود؛ بنابراین نوشتار زنانه، موضوع و درونمایه مشخصی دارد. موضوعاتی که در آثار زنانه مطرح می‌شود، از جمله مسائلی است که غالباً زنان با آن مواجه هستند و آن را تجربه می‌کنند. هم‌چنین تفسیر زنانه از آن مسئله و بیان حالات و روحیات خاص زنان، درونمایه‌ای زنانه در

اثر به وجود می‌آورد. زنانه‌نویسی یعنی نوشتن از مسائل و مشکلات و حالات و روحيات خاص زنان به منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنس زن (ر.ک فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۲).

«یک اثر زنانه از نظر جنسی ارزش‌های متفاوت و روحیه لطیف زن را نشان می‌دهد و بعد جنسیتی آن معمولاً به دغدغه‌های زنان و سرخوردگی‌های آنان می‌پردازد که تحت تأثیر فرهنگ هر جامعه، به گونه‌های مختلفی تعریف می‌شود. با این حال مجموعه مشترکی از مؤلفه‌های زنانه اعم از «انفعال»، «روزمرگی»، «گوشه‌گیری»، «محدودیت‌ها»، «بروز احساسات» و موارد دیگر در آثار زنانه مشاهده می‌شود» (دادور و همکارش، ۱۳۹۸: ۶۳).

منتقدان فمینیست مشخص می‌کنند که مؤلفه‌های زنانه، در تولیدات ادبی با استفاده از کدام تمهیدها یا صناعات انجام می‌شود. آن‌ها مصادیق زنانه‌نویسی را در آثار زنانه جستجو می‌کنند. سیالیت ذهن، ساختار دورانی، جمله‌های ناقص، تصاویر پیچیده، هنجارگریزی لغوی و نحوی، استفاده از حواس پنجگانه و لحن مسامحه‌آمیز از جمله مصادیق زنانه‌نویسی محسوب می‌شود (ر.ک پاینده، ۱۳۹۷: ۹۱ و ۱۰۵).

«در یک اثر ادبی مانند شعر، زبان زنانه بر نوع تشبیهات، استعارات، لغات و موارد دیگر اثر می‌گذارد» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۹۱). شاعران زن و شاعران مرد در مقایسه با یکدیگر، عواطف و تجربیات متفاوتی دارند که مختص جنسیت آن‌هاست و به همین دلیل هر گروه به مجموعه مشخص و مشترکی از صور خیال در شعر خود دست می‌یابند (ر.ک شمیسا و همکارش، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

به آثار گذشتگان که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شعر زنان از نظر سنتی زبان و نگاه زنانه ندارد و به موضوعات زنانه نمی‌پردازد. بلکه بیشتر به موضوعاتی اشاره می‌کند که معمولاً توجه مردان را جلب می‌کند و زبان آن نیز از نظر انتخاب کلمات و نوع صور خیال فرقی با شعر مردان ندارد. اما امروزه با گسترش اندیشه‌های فمینیستی و توجه به شعر زنانه، شاعر زن در محتوای اثر خود با پرداختن به مؤلفه‌های زنانه، شکل سنتی را کنار زده است و شعر زنانه را مستقل از زبان و نگاه مردانه، با تصاویر تازه‌ای که از موضوع زن ابداع کرده، معرفی می‌کند. اشاره به موضوعاتی مانند بررسی زندگی ناگوار زن، محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، تجربه‌های خاص زنانه به دلیل تفاوت‌های جسمانی، روابط مادر و فرزند و تعریف زن از موفقیت‌ها و شکست‌ها، هریک به نوعی خرق عادت محسوب می‌شود و تابوی زبان و نگاه مردانه را در شعر زنانه می‌شکند. چگونگی کاربرد انواع صور خیال، هویت زن را آنچنان که در واقعیت وجود دارد به تصویر می‌کشد، نه آنچنان که فرهنگ جامعه به او تحمیل کرده است (ر.ک میرعابدینی و همکارش، ۱۳۹۰: ۵۱).

بر این اساس، بررسی صورخیال در شعر زنان با معیارهایی که مؤلفه‌های شعر زنانه را تصدیق می‌نماید، یک ضرورت به شمار می‌آید چرا که از این طریق پایه‌های شعر زنانه استحکام می‌یابد و نوع بیان زنانه را در شعر زنان تقویت می‌کند تا آنان نیز با خلاقیت بیشتر تجربیات خاص خود را آن‌طور که تداعی‌کننده حال و هوای زنانه است در آثارشان به تصویر بکشند.

در ادبیات معاصر ایران، بعد از قرن‌ها سنت‌گرایی؛ شعر زنان تا حدودی جایگاه خود را به عنوان یکی از انواع ادبی شناخته‌است و امروزه زنان بسیاری شعر می‌نویسند و تجربه‌های خاص خود را با زبان و نگاه زنانه بیان می‌کنند. سیمین بهبهانی، یکی از شاعران توانمندی است که شعر او هم از جهت نوآوری در قالب غزل و هم از نظر محتوای زنانه‌ای که به آن پرداخته است مثال‌زدنی است. «شعر او بازتاب رفتارهای متفاوتی از زنان است و موضوعات زنانه را در طیف گسترده‌ای مطرح می‌کند. سیمین می‌خواهد با شعر زنانه، هویت زنان را بشناساند و به قول خودش زن را از پشت پستوها بیرون بیاورد، ریگ از زیر زبان بردارد، سخنی بگوید و نقشی بیافریند. نمونه‌ای از نقش‌آفرینی در اشعار سیمین بهبهانی، آشنایی‌زدایی از کلمه‌هایی نظیر «کولی» است که معمولاً در فرهنگ ایرانی با تعاریف دیگری شناخته می‌شود. زن در شعر او فارغ از تعاریف فرهنگی جامعه، شخصیت مستقل خود را به نمایش در می‌آورد و می‌تواند انتخاب‌کننده باشد» (سیدرضایی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

سیمین در اشعار خود، وضعیت زن را فقط گزارش نمی‌دهد بلکه آن را به تصویر می‌کشد و به همین دلیل بررسی صور خیال در آثار او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. چند نمونه از عناصر زنانه که سیمین آن‌ها را در شعر خود به تصویر کشیده است، عبارت‌اند از: آرایش کردن، سرخاب و سفیداب، دلربایی و عشوه‌گری، دوشیزگی، سرخوردگی‌های دختر در خانواده، احساس حقارت در زن روسپی، زندگی سخت زنان سرپرست خانوار، سرنوشت مبهم زن در تبعیض، انتقاد از عدم آگاهی زنان، تسلیم شدن زن در برابر ستم، نوع رابطه مادر با فرزند، احساس تنهایی، درک نشدن زن و ...

این پژوهش در صدد است که با تکیه بر عناصر زنانه، صورخیال را در اشعار سیمین بهبهانی مورد بررسی قرار دهد. از این رو، پس از تعریف انواع صور خیال و تشریح عناصر زنانه و تمهیدات ادبی که معمولاً طبق نظر منتقدان فمینیستی بیشتر در شعر شاعران زن ملاحظه می‌شود، نمود عناصر زنانه را در شعر سیمین بهبهانی؛ در طرفین تشبیه و محسوس یا معقول بودن آن‌ها، مرکب یا مفرد بودن تشبیه، ارتباط وجه شبه با عناصر زنانه و همچنین نوع استعاره مصرحه یا مکنیه‌ای که شاعر برای بیان عناصر زنانه به کار برده است و تأثیر عناصر زنانه بر ملاتمات مشابه یا مشابهه، نحوه تأثیرگذاری عناصر زنانه در مجاز با علاقه مشابهت و نمود عناصر زنانه را در انواع کنایه مورد مطالعه قرار خواهیم داد تا سیمای زن را آنگونه که سیمین در تصاویر شعری خود به ما نمایانده است، مشخص کنیم.

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش

در اغلب پژوهش‌هایی که بر روی اشعار سیمین صورت گرفته است یا فقط به مسائل زنانه در شعر او توجه شده یا به شکل آماری و کیفی به بررسی انواع عناصر بیان و بدیع در شعر وی پرداخته‌اند. تاکنون به نحوه تأثیرگذاری ویژگی‌های شعر زنانه در ساخت تصاویر شعری توجه نشده در حالی که صورخیال علاوه بر آن که به ویژگی‌های فنی در صورت شعری شاعر اشاره دارد، حاصل نگاه خاص شاعر و درک و عواطف شخصی او نیز هست. در اشاره به تخیل شاعرانه، برخی موضوعات حاصل عواطف مشترک خواهد بود اما هر شاعر آن را از دریچه احساس فردی خود به شکلی خاص بیان

می‌دارد. به همین سبب انواع صور خیال در شعر هر شاعر به صورت‌های متفاوتی به کار می‌رود. پس چنانچه صور خیال حاصل تجربه‌ها و عواطف شاعر است بی‌شک تجربه‌های خاص زنانه در نوع ساخت تصاویر شعری او تأثیرگذار خواهد بود و اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که به عناصر زنانه به عنوان یکی از عوامل اساسی در تجربه‌ها و عواطف شاعران زن از منظر فنی و صوری هم توجه شده است و نحوه اثربخشی عناصر زنانه در ساخت تصاویر شعری سمین بهبهانی به عنوان یکی از شاعران موفق زن مشخص می‌شود.

#### ۱-۴- اهداف پژوهش

- بررسی و تحلیل میزان کاربرد عناصر زنانه در انواع صور خیال در شعر سمین بهبهانی

#### ۱-۵- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: معاصر

ج) قلمرو موضوعی: شعر سمین بهبهانی

#### ۱-۶- نوع پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی است.

#### ۱-۷- سؤال‌های پژوهش

- عناصر زنانه چگونه در تصاویر شعری سمین بهبهانی اعم از مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه بازتاب یافته است و ویژگی‌های آن از دیدگاه علم بیان چیست؟  
- کدام عناصر زنانه در تصویرهای شعری وی بیشتر به کار رفته است؟  
- سیر تغییرات و تحولات تصاویر زنانه در دفترهای شعری وی در گذر زمان چگونه بوده است؟

#### ۱-۸- فرضیه‌های پژوهش

- احتمال می‌دهیم در شعر سمین بهبهانی عناصر صری که بیانگر احساسات و عواطف لطیف زنانه مانند حس مادری یا جلوه‌های عاشقانه است غالباً به صورت تشبیه و به اعتبار طرفین از نوع محسوس به محسوس به کار رفته باشد. او معمولاً در این موارد از نوع تشبیه بلیغ استفاده کرده است و بیشتر تشبیهات نیز مفرد هستند. هم‌چنین به نظر می‌رسد وی برای بیان اعتراض به شرایط نابرابر زنان و نمایش استقلال آن‌ها یا برای پویش زنانه در جهت رفع نابرابری‌ها از کنایه (معمولاً کنایه از فعل) بهره برده است.



- به نظر می‌رسد مظلومیت و درونگرایی، مطیع بودن و در تقابل با آن اعتراض و آزادی‌خواهی، آگاهی و استقلال زنان بیشترین استفاده را در میان عناصر دیگر داشته باشد.

- تصاویر زنانه‌ای که معمولاً به صورت مجاز بیان شده‌اند، احتمالاً از نظر کمی تغییر خاصی نداشته باشند و بر اساس نتایج پیشینه تحقیقات که میزان استفاده از مجاز را حداقلی بر شمرده‌اند احتمالاً مجاز در بیان عناصر زنانه کاربرد کمی ناچیزی داشته باشد. صنعت کنایه از جهت باراعتراضی اشعار، باید به تدریج در آثار او جلوه بیشتری یافته و تشبیه به نسبت استعاره پرکاربردتر شده باشد. بر اساس پژوهش‌های پیشین، اشعار سیمین در گذر زمان خیال‌انگیزتر شده است اما احتمالاً مفاهیم و عناصر زنانه و تصاویر عاطفی هم بیش از آن که گفته‌شوند به کمک عناصر خیال به تصویر کشیده شده باشند.

## ۹-۱- پیشینه پژوهش

### مقالات:

- «بیان جلوه‌های صور خیال در شعر سیمین بهبهانی، ۱۳۸۸» از شمیسا و کاشی. در این پژوهش بدون نگاه فمینیستی تنها چهار مبحث مطروح در کتب بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) از حیث کمیت، بسامدگیری شده است.

- در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ذهن و زبان سیمین بهبهانی، ۱۳۸۷» از شریفیان و پوینده‌پور، شکل و کیفیت صور خیال از جهت پویایی و جایگاه تخیل مورد بحث قرار گرفته است. در باب صور خیال، موضوع تشبیه صرفاً از جهت داشتن یا نداشتن ادات تشبیه و وجه شبه بررسی شده و چند نمونه از انواع استعاره بدون اشاره به عناصر زنانه ذکر شده است.

- در مقاله «مشبه‌ها و تصاویر چهره معشوق در شعر شاعران زن معاصر و تفاوت آن با دیگر دوره‌ها، ۱۳۹۲»، از غلامی و رضایی، فقط به نمونه‌هایی از تصویر معشوق در تشبیهات شعر سیمین اشاره شده و به کارکرد عواطف زنانه در شکل و ساختار صور خیال توجه ندارد.

- در مقاله «بررسی حس آمیزی در اشعار سیمین بهبهانی بر اساس چگونگی تلفیق و بسامد حواس؛ سعادزاده، او جاق علیزاده، ۱۳۹۵» به موضوع حس آمیزی از نظر چگونگی تلفیق حواس پنجگانه و بسامد حواس در شعر سیمین بهبهانی پرداخته شده است.

- در مقاله «بررسی و تحلیل آرایه نماد در اشعار سیمین بهبهانی، ۱۳۹۶» از گلپور آتشی و محمدی، به کارکرد نماد در شعر سیمین بهبهانی به عنوان یکی از برجسته‌ترین انواع صور خیال توجه شده است.

- مقاله «نقد فمینیستی بر غزل سیمین بهبهانی، بیات، ۱۳۸۹» تصویر تازه‌ای را که شاعر از چهره زن به نمایش گذاشته، تبیین می‌کند.

- «بررسی مؤلفه‌های فمینیسم لیبرال در شعر سیمین بهبهانی، احمدی و سلطانی، ۱۳۹۳» به نقش پررنگ مؤلفه‌های فمینیستی به طور عام و مؤلفه‌های فمینیسم لیبرال به طور خاص اشاره دارد.

- در مقاله رجایی با عنوان «زن در شعر سیمین بهبهانی، ۱۳۹۶» و در مقاله ابراهیمی با عنوان «گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی، ۱۳۹۲» صرفاً به بیان اندیشه‌های زنانه در آثار سیمین پرداخته شده در حالی که مسئله چگونگی کارکرد آن در انواع صور خیال مطرح نیست.

- هم‌چنین در مقاله «سبک‌شناسی و واکاوی جنسیتی در اشعار سیمین بهبهانی، پولادی، ۱۳۹۵» شاهد نقد فمینیستی بر روی نحو و لغات به کار رفته در اشعار سیمین هستیم.

### پایان‌نامه‌ها

- مریم حیدری در پایان‌نامه «بررسی صورت و معنا در شعر سیمین بهبهانی، ۱۳۸۳» (دانشگاه شیراز، استاد راهنما: دکتر کاووس حسن‌لی)، به موضوعاتی از قبیل «شاخصه‌های مهم شعری»، «صورخیال»، «ساختار بیرونی و درونی شعر و معنا» و «محتوای شعر» پرداخته و هر یک را به طور جداگانه در فصل‌های مختلف آورده است. وی در بخش مربوط به تحلیل صورخیال، مشابه مقاله شمیسا و مقاله «ذهن و زبان سیمین»، بدون اشاره به محتوای عناصر زنانه فقط به انواع صورخیال در شعر سیمین بهبهانی اشاره کرده است.

- «عنا صر شاعرانه در اشعار سیمین بهبهانی، فاطمه گیلانی، ۱۳۹۵» (دانشگاه سمنان، استاد راهنما: عبدالله حسن‌زاده)، عنوان پایان‌نامه دیگری است که با نگاهی کلی به محتوای عاطفی شعر سیمین پرداخته شده است.

- در پایان‌نامه «فمینیسم در شعر سیمین بهبهانی، ریحانه عمادی، ۱۳۹۱» (دانشگاه مازندران، استاد راهنما: غلامرضا پیروز)، تفکرات و جهان‌ذهنی شاعر، در چگونگی استفاده از کلمات با توجه به مؤلفه‌های زبان زنانه و بدون اشاره به انواع صورخیال، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### ۱-۱۰- جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

گرچه تاکنون پژوهش‌های چندی در ارتباط با سیمین بهبهانی انجام شده، توجه همزمان به عناصر زنانه و صورخیال شعر سیمین بهبهانی و بررسی چگونگی تأثیرگذاری جنسیت (زن‌بودگی) بر صورت‌های شعری او و خلاقیت شاعر در ساخت صور تازه، کاری است که تاکنون انجام نشده است. در پژوهش‌های دیگر معمولاً این دو موضوع به صورت جداگانه بررسی می‌شود اما در این پژوهش توجه به تأثیر زن‌بودگی بر نوع ساخت صورخیال در شعر سیمین بهبهانی برای اولین بار اتفاق می‌افتد.

### ۱-۱۱- روش جمع‌آوری اطلاعات و انجام پژوهش

در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی نحوه اثرگذاری عناصر زنانه در شعر سیمین بهبهانی خواهیم پرداخت. ابتدا باید نقد فمینیستی و عناصر زنانه را تبیین کنیم و به تعریف صورخیال و شیوه بیان احساسات و عواطف از طریق آن بپردازیم. همچنین به مؤلفه‌های زنانه مانند کار خانگی، احساسات خاص زنانه، عواطف مادرانه و ... در صورخیال شعر سیمین اشاره کنیم. این داده‌ها به روش توصیفی، ارائه می‌شوند. آنگاه در تحلیل داده‌ها نحوه اثر بخشی عناصر زنانه بر صورخیال تحلیل و بررسی خواهند شد.

# فصل دوم

## تعاریف و کلیات

## ۱-۲- صورخیال و ارتباط آن با عواطف و تجربیات شاعر

### ۱-۱-۲- اهمیت خیال در شعر

قدما درباره شعر تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند. برخی آن را صرفاً کلامی موزون و مقفی دانسته‌اند. گروهی دیگر علی‌رغم توجهی که به اهمیت صورخیال داشته‌اند اما با تأکید بر شکل و ظاهر شعر، کمتر به لزوم کاربرد آن در ساختمان شعر پرداخته‌اند، اما در این بین کسانی هم هستند که با دیدگاه منطقی و فلسفی نسبت به مفاهیم، عنصر خیال را جوهره اصلی شعر دانسته‌اند و آن را از جنبه‌های تصویری بررسی کرده‌اند یعنی آنچه مربوط به اسلوب بیان است. «ابن رشیق قیروانی در العمده از بعضی نقل کرده‌است که: شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش باشد و در ما سوای آن‌ها، گوینده را فضل وزنی خواهد بود و بس.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۷) همینطور خواجه نصیرالدین طوسی بر این عقیده است که: «شعر کلامی مخیل است و وزن، از آن اعتبار دارد که به وجهی اقتضای تخیل کند.» (اقبالی، ۱۳۷۰: ۷۶)

چیزی که در تعاریف گوناگون از شعر قابل بحث است، مسئله تأثیرپذیری از ارسطو است. او در کتاب فن شعر کلمه یونانی میمسیس<sup>۱</sup> را به عنوان عنصر اصلی شعر معرفی می‌کند. «مترجمان معاصر «فن شعر» هم آنها که به عربی ترجمه کرده‌اند و هم دو سه تنی که به فارسی کتاب «شاعری» ارسطو را گزارش داده‌اند این کلمه را محاکات و تقلید خوانده‌اند و علت این امر این است که لفظ یونانی مورد استعمال ارسطو دارای جوانبی است که معنی محاکات و تقلید را می‌رساند. ولی بعضی از مترجمان انگلیسی متن کتاب که از یونانی به ترجمه آن پرداخته‌اند در برابر کلمه یونانی مورد استعمال ارسطو، یعنی میمسیس، که در ترجمه‌های فارسی و عربی بیشتر به محاکات ترجمه شده‌است، تعبیر Representation of life [= بازنمایی زندگی] را آورده‌اند و توضیح داده‌اند که یکی از معانی آن کلمه یونانی، Imitation [= تقلید] است و بر اثر همین توسعه مفهومی است که می‌بینیم در میان ترجمه‌هایی که دانشمندان دوره اسلامی از این کتاب کرده‌اند و شروحنی که بر آن نوشته‌اند این کلمه گاه به محاکات و زمانی به تشبیه و اندک‌اندک به تخیل و حاصل آن به کلام مخیل تعبیر شده‌است و از دقت در ترجمه‌ها و شروح ارسطو به روشنی دانسته می‌شود که آنچه به عنوان محاکات

<sup>۱</sup>. Mimesis

بیشتر نقل کرده‌اند، درست همان چیزی است که بعضی دیگر از شارحان و فلاسفه مفهوم تخیل را از آن دریافته‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۳۰)

ناقدان اروپایی که وارث طرز تفکر ارسطویی هستند و بیشتر به جوهر شعر نظر دارند، از دیرباز به اهمیت عنصر خیال در ساختمان شعر نظر داشته‌اند. ارسطو در تعریفی که از شعر می‌دهد، در حقیقت بنیاد تعریف خود را بر «خیال» استوار می‌کند و دی‌لوئیس، شاعر معاصر انگلیسی در کتاب معروف خود درباره «خیال شعری» نوشته‌است: «ایماژ یک عنصر ثابت است، حوزه الفاظ و خصوصیات وزنی و عروضی دگرگون می‌شود، حتی موضوعات تغییر می‌کند اما استعاره باقی می‌ماند». هم‌چنین دی‌لوئیس از درآیدن نقل می‌کند که گفت: ایماژسازی به خودی خود، اوج حیات شعری است (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۸-۹).

آنچه ناقدان اروپایی ایماژ می‌خوانند، در حقیقت مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌سازد. از این رو دو اصطلاح «تصویر» و «خیال» را در مجموع برابر کلمه ایماژ است و با توجه به اینکه ایماژ، هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح، برابر است با «تصویر» یکی شیء، خواه یک تصویر ذهنی باشد، خواه مادی، شایسته است که آنچه در نقد ادبی جدید و در کتاب‌های بلاغت فرنگی به نام ایماژ (و بعضی معاصران ما به عنوان تصویر از آن یاد می‌کنند) با کلمه خیال که در شعر قدیم عربی و فارسی استعمال شده‌است، برابر نهاده شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۰). با این توضیح می‌توان گفت: «خیال عنصر اصلی شعر در همه تعریف‌های قدیم و جدید است و هرگونه معنی دیگری را در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۳)

## ۲-۱-۲- نقش و اهمیت عواطف و تجربه‌های فردی در استفاده از صور خیال

نخستین کسی که از شعر به عنوان تجربه یاد کرده‌است یکی از ناقدان اسلامی به نام ابن‌اثیر است که در کتاب الاستدراک از ارتباط میان شعر و تجربه سخن گفته‌است. امروزه ناقدان معاصر بر اساس همین عقیده می‌کوشند شعر و هنر را که جوهره اصلی آن عنصر خیال است، به عبارت دیگر «تجربه انسان» بنامند. اما باید بدانیم که این «تجربه شعری چیزی نیست که حاصل اراده شاعر باشد، بلکه یک رویداد روحی است که ناآگاه در ضمیر او انعکاس می‌یابد، مجموعه‌ای از حوادث زندگی اوست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۱). و فرق شاعر با دیگران در این است که او نسبت به درک رویدادهای ناگهانی دارای نوعی بیداری است و ذهنش ارتباط انسان را با سایر عناصر طبیعت و زندگی بهتر و سریع‌تر در می‌یابد. در واقع زندگی انسان همواره با طبیعت و انسان‌های دیگر در ارتباط است و هنگامی که شاعر یکی از این ارتباطات را درمی‌یابد در برابر آن بیدار می‌شود و آن را به صورت شعر در می‌آورد. «آنچه که شاعر ادراک می‌کند، بیداری اولی و تجربه نخستین و کشف است، آنچه که از شعر او برای دیگران حاصل می‌شود، بیداری ثانوی و بالعرض، تجربه ثانوی و آگاهی از کشف اوست.» (همان: ۱۹)

ژرار دونروال می‌گوید: «آن که برای نخستین بار روی خوب را به گل تشبیه کرد، شاعر است و دیگران مقلد او»، یعنی بیداری شاعر نسبت به موضوع امری اولی و مستقیم بوده‌است و بیداری دیگران نسبت به آن موضوع ثانوی و غیر مستقیم و نوعی آگاهی از شعوری که نخستین بار برای او حاصل شده‌است، و خواجه نصیر طوسی در اساس الاقتباس، با توجه به همین نکته است که می‌گوید: «علت انفعال نفس از آنچه مغافصه به او رسد، بیشتر بود از آنچه به تدریج به او رسد، یا رسیدنش متوقع بود و به این سبب بود که مضاحک و نوادر اول بار که استماع افتد لذیذتر باشد و باشد که به تکرار اقتضاء نفرت نفس کند از آن» و این نکته دقیقی است زیرا لذت شعری، نوعی ارتباط با تعجب دارد و وقتی چیزی تکرار شد، دیگر تعجب حاصل نمی‌شود (همان، ۱۳۷۵: ۲۰). همچنین شاعر این امکان را دارد که با کمک نیروی خیال در امور تکراری هم دخل و تصرف داشته‌باشد و از هر چیز کهنه، طرحی نو در اندازد. به گفته مک لیش «در شعر کوشش تو بر این است که چیزی را که همه از پیش می‌دانند، چنان بگویی که هیچ‌کس آن را نفهمیده بوده‌است و اگر در این راه توفیق حاصل کنی، اهمیت کار تو از کشف یک قانون علمی کمتر نیست و آنها که تخیل را نخستین شکل دانش دانسته‌اند، توجهشان به همین اصل است» (همان: ۱۸).

«خیال» یا «تصویر» حاصل نوعی «تجربه» است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است و ناقدان معاصر از پیوستگی «ایماژ» و عاطفه به تفصیل سخن گفته‌اند و معتقدند که هر ایماژی باید عاطفه و شوری به همراه داشته‌باشد و مک لیش بر آن است که: عاطفه اگر در شعر وجود داشته‌باشد در نفس خیال‌ها (= ایماژها) نهفته است و اگر در نفس ایماژها نباشد، در میان آنها (در ترکیب و حاصل) آن‌هاست. (همان: ۱۷) بنابراین تجربه شعری بدون دخالت عنصر عاطفه دست‌نیافتنی خواهد بود، چنانچه ایماژهای روزنامگی (ژورنالیستی) علی‌رغم آنکه ایماژ هستند، چون که هیچ‌گونه شور و عاطفه‌ای که حاصل تجربه گویندگان و نویسندگان باشد، به همراه ندارد آن شگفتی و اعجابی را که «تخیل» می‌خوانیم به وجود نمی‌آورد. منظور از عاطفه هرگونه حالتی اعم از عشق، احترام، اعجاب، شادی و ... است که شاعر از رویدادها در وجود خودش احساس می‌کند. انواع عواطف بی‌شمارند و مجموعه آن‌ها در میان تمام انسان‌ها وجود دارد اما شاعر می‌کوشد آن را با بیانی برجسته و تصاویری بدیع تشخص ببخشد و از خواننده یا شنونده‌اش بخواهد با او در این احساس خاص شرکت داشته‌باشد. «بدین‌گونه می‌بینیم که هیچ تجربه‌ای از تجربه‌های انسانی که می‌تواند موضوع شعر قرار گیرد، بی‌تأثیر و تصرف نیروی خیال، ارزش هنری و شعری پیدا نخواهد کرد و هر حادثه‌ای هنگامی موضوع شعر است که از شهود حسی و خیال شعری انسان، رنگ پذیرفته‌باشد، یعنی تجربه‌ای که به گفته کرویچ به حد یک شهود غنایی رسیده‌است، البته لازم نیست که انگیزه تجربه شاعر یک امر عظیم باشد، بلکه می‌تواند یک موضوع کوچک زمینه اصلی تجربه‌ای قرار گیرد.» (همان: ۲۷)

### ۳-۱-۲- علم بلاغت

بلاغت بعد از اسلام به منظور یافتن جنبه‌های اعجاز‌آور قرآن، تألیف و تدوین شد و از دیرباز در کتب ادبی تعاریف مختصر و مفصلی از آن صورت گرفته‌است از جمله توضیحاتی که در کتاب البیان و التبیین جاحظ و دلائل‌الاعجاز جرجانی نقل شده‌است.

دانشمندان علم بلاغت، اقسام گوناگونی را برای آن برشمرده‌اند. برخی تعاریف خود را با تکیه بر ایجاز و اطناب و مساوات توضیح داده‌اند و برخی دیگر آن را به ده قسم تقسیم کرده‌اند و تشبیه، استعاره، مبالغه و حسن بیان را هم ذیل تعریف بلاغت قرار داده‌اند. آنچه از تعاریف گوناگون دریافت می‌شود این است که بلاغت به طور کلی شامل سه فن معانی، بیان و بدیع است اما قدما همه ابواب را بدون تفصیل و طبقه‌بندی ذیل یک تعریف به نام بلاغت آورده‌اند.

بیشترین کتاب‌های حوزه بلاغت، به زبان عربی است و در زبان فارسی تألیفات بسیار کمی وجود دارد. برخی کتب عربی عبارتند از: البیان و التبیین جاحظ، الکامل مبرد، مجازالقرآن ابو عبید، اسرارالبلاغه ابن رشیق قیروانی، اسرار البلاغه و دلائل‌الاعجاز عبدالقاهر جرجانی و ... در زبان فارسی کتاب ترجمان البلاغه به عنوان قدیمی‌ترین کتاب مستقل در توضیح بلاغت از محمد بن عمر رادویانی می‌باشد که بر اساس آن رشید الدین وطواط حدائق‌السحر را تألیف کرد. دقائق‌الشعر از تاج‌الحلاوی و المعجم از قیس رازی هم کتب دیگری هستند که به بررسی صنایع بدیعی پرداخته‌اند اما علم بیان، در هیچ از کتب قدیم به طور مستقل تعریف نشده‌است.

### ۴-۱-۲- علم بیان

«بیان در لغت به معنی واضح بودن و آشکارا ساختن است و در اصطلاح علمی است که بدان شناخته می‌شود کیفیت ایراد معنی واحد به طرقتی که مختلف باشد در وضوح دلالت بر آن معنی پس از رعایت مقتضای حال.» (رجایی، ۱۳۵۳: ۲۳۹) دانشمندان علم بلاغت، حدود مباحث علم بیان را در چهار دسته مشخص و تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. تشبیه
۲. استعاره
۳. مجاز مرسل
۴. کنایه

در کتب مختلف بلاغی توضیحات متعددی درباره علم بیان در دسترس است و اندیشمندان در این باره از جنبه‌های گوناگونی به بحث و بررسی پرداخته‌اند. امروزه نیز حدود مباحث علم بیان گسترده‌تر شده‌است و گونه‌های مختلف عراق، حس‌آمیزی، متناقض‌نمایی (پارادوکس) و تشخیص<sup>۱</sup> را هم در چهارچوب این علم تعریف می‌کنند.

<sup>۱</sup> . Personification